

اظهار نظر کرونایی موراکامی

نویسنده سرشناس ژاپنی، میزبان برنامه ویژه رادیویی شد تا با روح مردم کشورش که در فشار قرنطینه ویروس کرونا هستند، همراهی کند. به گزارش آسوشیتدپرس، موراکامی، برخی از محبوب ترین ترانه‌هایش را از برنامه ویژه رادیویی پخش کرد و به سوال‌های مردم در برنامه‌ای دو ساعته پاسخ داد. این برنامه ویژه رادیویی پخش شد تا مردم را به بیشتر در خانه ماندن ترغیب کند. / مهر



چامه، سراغ آدونیس رفت

شماره جدید دوماهنامه ادبی چامه منتشر شد. در شماره یازدهم این مجله شعرهایی از عبدالحسین فرزاد، شمس لنگرودی، عبدالرحیم سعیدی رادو ... منتشر شده است. همچنین در این شماره از چامه می‌توان داستان‌هایی از مریم خوان، مهدی شاطر، رضا مهدوی هراوه، مریم ساحلی، مریم علی اکبری وشهلا رضاسلطانی خواند. پرونده ویژه این شماره هم به آدونیس شاعر، نویسنده و ویراستار اهل سوریه اختصاص یافته است. / جام جم دیلی



لذات داستان

هر هفته دوشنبه‌ها
در این صفحه از لذت‌های
داستان‌خواندن می‌نویسیم

ماجره

ماجرای تیر سلطان در قلب شاعر درباری

تا روزی که مردا عوفی در لباب الالباب به این ماجرا اشاره کرده و نوشته: «روزی سلطان در خرگاه تیر می‌انداخت و او بیرون خرگاه ایستاده بود. ناگاه تیری از کمان شاه جدا شد و از جاده هدف خطا شد بی‌قصد، تیر نشانه از جگر آن دل‌بند فضلا ساخت.» سنایی هم در تعزیتی به قصه تیر خوردن معزی اشاره کرده و می‌گوید:

تا چند معزای معزی که خدایش
زینجا به فلک برد و بقای ملکی داد
چون تیر فلک بود قربنش به ره آورد
پیکان ملک برد و به تیر فلکی داد

پس از ماجرا

سریکی در جهان کمیک استرپ‌ها؛ از شهر سوخته تا کوئنتین تارانتینو

بازگشت کمیک استرپ‌ها

نوجوانان نخستین داستان مصور ایرانی با عنوان رستم و اسفندیار با تصویرگری سیروس راد را منتشر کرد. با این حال پس از دهه ۵۰ انتشار کمیک استرپ‌ها در ایران رو به افول گذاشت و اقبال عمومی شگفت‌انگیزی که تن‌تن در دهه‌های گذشته تجربه کرده بود دیگر تکرار نشد. تألیف کمیک استرپ‌های ایرانی بزرگسال نیز تقریباً متوقف شد و محدود کمیک استرپ‌هایی که منتشر می‌شد نیز با مناسب نوجوانان بودند یا ترجمه کمیک‌های معروف خارجی که همان‌ها هم بیشتر به صورت دیجیتال و برای استفاده در تلفن‌های هوشمند و تبلت‌ها ارائه شدند.

[۱] کمیک استرپ کاغذی، شکوفایی دوباره؟

طی سال‌های اخیر کمیک استرپ‌های بزرگسال بار دیگر بخت انتشار کاغذی یافته‌اند و برخی از آنها موفق هم بوده‌اند. نشر اطراف یکی از ناشرانی بوده که مجموعه کمیک استرپ‌ها را منتشر کرد. از مجموعه سفرنامه‌های مصور این ناشر که با اقبال خوبی روبه‌رو شد، می‌توان عناوینی همچون «پانگون، سفری به برمه»، «شژن، سفری به چین» و «پیونگ‌یانگ؛ سفری به کره شمالی» را یاد کرد. گیلویل، کارتون‌بست شناخته‌شده کانادایی در سال ۲۰۰۱ اجازه پیدا می‌کند به کره شمالی سفر کند. دولیل در مدت اقامت دوماهه برای کار در یک شرکت انیمیشن‌سازی در پیونگ‌یانگ، مشاهداتش از فرهنگ آنجا و زندگی محدود کره‌ای‌هایی را که با آنها برخورد دارد، با لحن طنزآمیز خاص خودش روایت می‌کند. نتیجه این روایت به یکی از معروف‌ترین سفرنامه‌های مصور تبدیل می‌شود. روایتی از کشوری که انگار همه مردمانش با نجوا با هم حرف می‌زنند

سر پادشاه عیلام که زیر آن نوشته شده «سر پادشاه عیلام که یک سرباز معمولی از سپاه من در میانه نبرد آن را برید و برای رساندن خبر تازه به من با شتاب به آشور فرستاد». با تصویر افسری که بر زمین افتاده و زیر آن نوشته «داماد پادشاه عیلام که با تیری زخمی شده، اما نمرد و برای قطع کردن سرش یک آشوری را فراخواند و گفت: بیا سر مرا جدا کن و نزد سرور تیر ببرو شهرتی برای خودت به هم زن.» احتمالاً تصاویری که از کتیبه‌های مصر باستان هم در ذهن دارید مشابهت زیادی با کمیک استرپ‌های امروزی داشته باشند و چه بسا که قدیمی‌ترین نسخه‌های این رسانه دوست‌داشتنی به شمار روند.

اما پی‌نماها به شکل کنونی آن نخستین بار در اروپا و در سده هیجدهم شکل گرفتند. نخستین کمیک‌های آمریکایی هم در سده بیستم میلادی منتشر شدند. اولین کتاب کمیک بر اساس مجموعه‌ای از کمیک استرپ‌های روزنامه‌ای شکل گرفت. اولین کمیک استرپ‌هایی که در دهه ۱۹۳۰ با به‌عرصه وجود گذاشتند، شامل ماجراهای خنده‌دار و ماجراجویانه قهرمانانی چون باب راجرز، تارزان و ماجراهای تن‌تن بودند.

[۲] پی‌نماها در ایران

اگر از کتیبه بیستون و برخی کتیبه‌های ایلامی و... بگذریم نخستین بار در دهه ۱۳۴۰ بود که مجله کیهان بچه‌ها (از مجموعه نشریات مؤسسه کیهان) شروع به انتشار داستان‌های مصور کرد. سپس در سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶ انتشارات یونیورسال، سیزده عنوان از ماجراهای تن‌تن و میلو را با ترجمه خسرو سمعی به چاپ رساند. همچنین در سال ۱۳۵۵ کانون پرورش فکری کودکان و

جنگ ستارگان شاید معروف‌ترین نمونه باشد و «جانگو» اثر کوئنتین تارانتینو و «هفت» اثر دیوید فینچر هم از شناخته‌شده‌ترین‌ها هستند. بسیاری، کمیک استرپ‌ها را مختص



نوجوانانی می‌دانند اما سال‌هاست پی‌نماهای مناسب بزرگسالان هم تولید می‌شوند و اتفاقاً فروش قابل توجهی هم داشته‌اند. اما راز محبوبیت پی‌نماها چیست؟

[۳] قدیمی‌ترین کمیک‌ها را چه کسانی تولید کردند؟

هر کمیک استرپ یک نویسنده دارد که داستان آن را می‌نویسد و یک تصویرگر که تصاویر آن را تولید می‌کند و گاهی هم مثل مورد تن‌تن هر دوی اینها یکی هستند. تصور عموم این است که کمیک‌ها از قرن نوزدهم منتشر و در قرن بیستم فراگیر شدند. اما واقعیت آن است که چشم بشر برای هزاران سال با این رسانه آشنا بوده است؛ تخته‌های چهارگوشی که بر آنها تصاویری ساده و محدود نقش شده و چند جمله‌ای هم در توضیح تصویر نوشته‌اند برایتان آشنا نیست؟ برای ما ایرانیان، همان‌طور که نقش بز و درخت شهر سوخته سیستم قدیمی‌ترین پویانما به شمار می‌رود نقش‌هایی همچون کتیبه بیستون، آتوپانی‌نی و کورانگون را می‌توان از نخستین پی‌نماهای موجود در مرزهای کنونی ایران‌زمین دانست. آشور بانپال نیز حملات ویرانگرش به پادشاهی عیلام را با تصاویری شبیه کمیک استرپ بر کتیبه‌ها نقش کرد. حملاتی که به این پادشاهی بیش از دو هزار ساله پایان داد و با تصاویری اینچینی تعریف می‌شوند؛ تصویر یک ارابه حامل

[۴] اغلب ما با شنیدن نام کمیک استرپ (پی‌نما) به یاد کتاب‌های تن‌تن و ماجراهای شگفت‌انگیزش می‌افتیم. کتاب‌هایی که در آنها هر صفحه را به چندین خانه چهارگوش تقسیم می‌کنند و در هر یک نقاشی کوچک و ساده‌ای را با یکی دو خط گفت‌وگو

همراه می‌کنند و این خانه‌های پشت سر هم ماجرای داستان را برای خواننده تعریف می‌کنند. بسیاری از فیلم‌های پر طرفدار و خیلی معروف جهان از روی کتاب‌های کمیک ساخته شده‌اند.



مسعود بربر

روزنامه‌نگار

خود تن‌تن در آخرین نسخه سینمایی به دست استیون اسپیلبرگ ساخته شد و پیش از آن هم بتمن، اسپایدرمن، مردگان متحرک و مردان ایکس نمونه‌های موفق کتاب‌های



کمیک بودند که بر پرده سینما هم درخشیدند. برعکس ماجرا هم کم اتفاق نیفتاده که فیلمی سینمایی به صورت کمیک درآمد و خوب فروخته باشد.

عجایب المخلوقات

اکوان دیو



انداخت. رستم از آب درآمد، اکوان ظاهر شد، رستم نام آفریدگار گفت و تیغه شمشیر بر اکوان زد. پوست او دریده شد. از میان پوست دیوی بیرون آمد، قوی‌هیکل به شکلی منکر، با دست و بازوی قوی. رستم با او در آویخت تا اکوان را کشت.

[۱] از عجایب المخلوقات محمد بن محمود بن احمد طوسی
باساده‌سازی

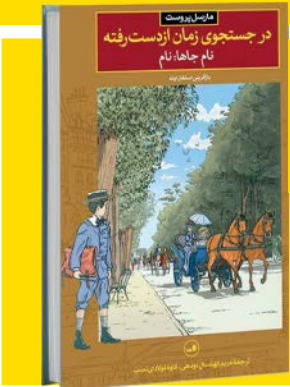
اما قصه اکوان؛ گویند رستم زال، گورخری بدید همچون آتش، از پی او برفت، ناپدید شد. به لب دریا رسید گورخر پیدا شد. رستم فهمید که او دیو است، به کوه گریخت. اکوان دیو، او را گرفت و به او گفت: «تو را به کوه برنم یا به دریا بیندازم؟» رستم پیش خود گفت: «این اکوان دیو است، اگر بگویم به کوه برنم، به دریا می‌اندازد و اگر بگویم به دریا بینداز به کوه می‌زنم و مرا پاره پاره کند.» بلند گفت: «مرا به کوه برنم!» او را در آب

عطای

مارسل پروست به زبان آدمیزاد

چه بسا خواننده را به خواندن اصل رمان نیز ترغیب کند. درواقع این نسخه کمیک استرپی می‌تواند دریچه‌ای به جهان «در جست‌وجوی زمان از دست‌رفته باشد» برای آنها که وقت و حوصله خواندن کتاب چند هزار صفحه‌ای ندارند، اما بدجور دلشان می‌خواهد سر در بیاورند در این کتاب چه می‌گذرد که همه حرفش را می‌زنند. اقتباس مصور استفان اوئه از «در جست‌وجوی زمان از دست

رفته پروست» را کاوه فولادی نسب و مریم کهنسال نودهی به فارسی برگردانده‌اند و نشر ثالث آن را با جلد سخت و صفحات تمام رنگی در شش مجلد به نام‌های «کومبره»، «عشق سوان ۱»، «عشق سوان ۲»، «نام جاها: نام»، «در سایه دوشیزگان شکوفا ۱» و «در سایه دوشیزگان شکوفا ۲» منتشر کرده و به بازار آورده است.



کارگاه

یک چهارم اول، صفحه اول، بند اول یا جمله اول؟

پاراگراف اول، بلکه در همان جمله اول خواننده را میخکوب می‌کند. در همان جمله اول باید کشمکش بر داستان حاکم شود. کسی مساله‌ای جدی داشته باشد و خلاصه چیزی در خطر باشد. اگر دوست دارید، نمونه‌ای از جمله اول جذاب و تکان‌دهنده برای ما بفرستید تا با نام خودتان منتشر کنیم.

هم که شده شبکه‌های اجتماعی دیگر را کنار بگذارد، کتاب شما را باز کند و چند سطر از آن را بخواند. طبیعتاً اگر این چند سطر توصیف اتاق و فرش و رومیزی باشد یا مدل ابروی شخصیت، خواننده بی‌حوصله کتاب را خواهد بست. امروزه شاید بهترین قلاب به دام انداختن خواننده این باشد که نه در ۳۰ صفحه اول، نه در صفحه اول و نه حتی در

در گذشته برای آغاز رمان گاهی گفته می‌شد تا ۳۰ صفحه (و گاهی حتی یک چهارم ابتدایی داستان) فرصت دارید خواننده را با توصیف فضای حاکم بر داستان و معرفی شخصیت‌ها آرام آرام به جهان داستان بیاورید. امروزه شرایط، هم برای خواننده و هم برای نویسنده تفاوت کرده است. امروز باید خواننده را متقاعد کنید که چند ثانیه

پرونده

کرگدن‌های چهل ساله

کارآگاه: دروغ می‌گویید، این جنازه برادر شماس‌ت! مرد: نه آقای پلیس، ایشان به ظاهر دوست من بود که در نبود من مزاحم همسرم شده بود... همسرم از خودش دفاع کرد. کارآگاه: تکرار می‌کنم! این جسد نزدیک‌ترین رفیق

یا برادر شماس‌ست... به او تهمت نزنید! تنها یک برادر می‌تواند در خانه بردارش این‌گونه آسوده بخوابد، از پشت خنجر به پهلویش فرو کنند، باور نکنند، حتی نچرخد و دوباره آسوده بخوابد.

[۲] از کتاب کرگدن‌های چهل ساله
نوشته فرهنگ رضائیا، انتشارات آقای کتاب